



عبدالقادر دهقان

قارون که بود؟

قرآن کریم سرگذشت قارون را طی ۹ آیه در سوره قصص این گونه بیان کرده است: «قارون از قوم موسی بود اما بر اثر ثروت فراوان بر آنها طغیان کرد و خود را از آنان برتر دانست. ما آنقدر گنج به او داده بودیم که حمل صندوقها یا کلیدهای آنها برای یک گروه توانمند مشکل بود. قومش به او گفتند: به ثروت خود مناز و این همه شادمانی و پایکوبی مکن که خداوند فخر فروشان مغرور را دوست ندارد. به وسیله آنچه خدا به تو داده است سرای آخرت و بهشت جاودان را به دست آور و بهره خودت را از دنیا نیز بگیر و همان گونه که خدا به تو احسان کرده است تو نیز در حق بندگان، نیکی و احسان کن. در زمین تباهی و فساد مکن که خدا مفسدان را دوست ندارد.»

قارون گفت: من این ثروت را به وسیله دانشی که دارم به دست آورده‌ام [رنج برده‌ام، خون جگر خورده‌ام تا آن را فراهم کرده‌ام، خودم می‌دانم آن را چگونه مصرف کنم، به شما مربوط نیست. خداوند در پاسخ او فرمود: آیا او نمی‌دانست خداوند اقوام و نسل‌های زیادی را پیش از او هلاک و نابود کرده است که از او نیرومندتر، آگاه‌تر و ثروتمندتر بوده‌اند و آنان با وجود قدرت و ثروت خود نتوانستند از چنگ مجازات الهی رهایی یابند؟ پس او چگونه نجات خواهد یافت؟ یک روز قارون با تمام آرایش و ثروت

خود در برابر مردم ظاهر شد و ثروت خویش را به نمایش گذاشت، کسانی که طالب دنیا بودند وقتی او را دیدند گفتند: ای کاش ما هم ثروتی مثل ثروت قارون داشتیم! به راستی او از بهره بزرگ و خوش بختی برخوردار است. آنان که علم و دانش داشتند گفتند: وای بر شما ثواب الهی برای کسانی که ایمان آورده‌اند بهتر است. سرانجام او و خانه‌اش را در زمین فرو بردیم، آن گاه پارتی و گروهی نداشت که او را از عذاب ما نجات دهند و خود نیز توان بهره‌گیری از قدرت و ثروت خویش را نداشت. آنان که دیروز آرزو می‌کردند به جای او باشند هنگامی که این صحنه را دیدند گفتند: اگر خدا بر ما منت نمی‌نهاد ما را نیز به قعر زمین فرو می‌برد.»

در سوره عنکبوت پس از بیان سرگذشت قومهای لوط، هود، صالح و می‌فرماید: «و قارون و فرعون و هامان را به یاد آور که موسی با دلایل و حجت قاطع نزد آنها رفت. آنان در برابر او تکبر و غرور پیشه کردند ولی نتوانستند بر او غالب شوند و از عذاب خدا جان سالم در برند. ما هر یک از این امت‌ها را به کیفر گناهشان گرفتیم، بعضی را سنگ باران کردیم و بعضی را با صداهای هولناک (صاعقه‌ها و زمین لرزه‌ها) از پای در آوردیم و برخی را در زمین فرو بردیم و برخی را در آب غرق کردیم. خداوند هرگز بر آنها ستم نکرد بلکه خودشان با ارتکاب جرم بر خویش ستم کردند.»

در آیه بالا یادآوری شده است که حضرت موسی در زمان خود

با سه نفر از زورگویان و گردن کشان مبارزه کرد:

۱. قارون که مظهر ثروت، غفلت، غرور و خودخواهی بود و بر ثروت و دانشش مباهات می کرد؛
۲. فرعون که مظهر قدرت، حکومت استکباری و زورگویی و فساد بود؛
۳. هامان که وزیر و مشاور فرعون بود و در ستم گری او رایاری می کرد.

فرعون مفسد

قرآن چهره زشت فرعون را این گونه ترسیم می نماید: «فرعون در زمین برتری جویی کرد و مردم را به گروه های مختلف تقسیم نمود و در میان آنها تفرقه انداخت، گروهی از آنان را خوار و زیر دست خود کرد، پسران شان را می کشت و زنان شان را به کنیزی می گرفت. به راستی که او از مفسدان بود.»

از آیه بالا استنباط می شود که فرعون برای استحکام پایه های قدرت استکباری خود به چند جنایت دست زده بود:

۱. برتری جویی، خودخواهی و سرکشی؛
۲. ایجاد تفرقه و چند دستگی بین مردم تا آنان نتوانند بر ضد او قیام کنند؛
۳. ستم و کشتار مردم بی گناه؛
۴. فساد.

از مطالعه سرگذشت جباران، در می یابیم که دانش، ثروت و قدرت برای کسانی که ظرفیت آن را ندارند و از ایمان راسخ بهره مند نیستند، چه قدر جنون آمیز است. قارون به جای آنکه از دانش و ثروت خود به نفع جامعه انسانی و آبادی سرای آخرت استفاده کند و آن را وسیله نجات خود قرار دهد به فخر فروشی و نمایش ثروت و برتری جویی پرداخت و مال را اسباب غرور، ستم و خودخواهی قرار داد.

فرعون با اتکا به قدرت خود به مبارزه با حضرت موسی علیه السلام برخاست و جنگ تبلیغاتی سختی را در میان توده های ناآگاه آغاز کرد. او می خواست بنی اسرائیل را نابود کند اما خداوند

خودش را نابود کرد و مایه عبرت جهانیان قرار داد. خدا برای نابودی ستمگران، لشکرهای آسمان و زمین را بسیج نکرد، بلکه به آنچه مایه حیات آنها بود فرمان داد تا آنها را از صفحه هستی برچیند. به زمین که مهد آسایش است دستور داد تا قارون را فرو برد، و به آب که مایه حیات و زندگی است فرمان داد تا فرعون و هامان را نابود کند. به گفته مولانا رومی: خاک قارون را چو فرمان در رسید/ با زرو تختش به قعر خود کشید. اینک به سراغ فرعونها و قارون های

زمان حاضر می رویم.

روش عمومی مستکبران

بانگاهی به تاریخ و مقایسه رفتار مستکبران و جباران عصر حاضر با ستمگران دوره های گذشته، در می یابیم که رفتار و استراتژی همه سرمستان قدرت و ثروت و همه فرعون های تاریخ یکسان بوده است و همگی با یک فرجام مواجه شده اند. تنها قارون و فرعون زمان حضرت موسی علیه السلام به ستم، برتری جویی و خودخواهی روی نیاوردند، بلکه همه قدرت پرستان تاریخ به قتل عام، ترور، تقلب های سیاسی، نمایش زر و زور دست زده اند و کوشیده اند که موقعیت خود را تا چند صباحی حفظ کنند. اسکندر، چنگیز، هلاکو، هیتلر، شاه اسماعیل صفوی و نادر به جنون قدرت مبتلا بودند. آری نشئه و سرمستی قدرت، به تعبیر علامه اقبال، سیل خروشان است که میراث فرهنگی، اندیشه، صنعت و فنون را مانند خس و خاشاک به تاراج می برد.

نگاهی به رژیم استعمارگر قدس

مردم عصر حاضر با خاطره هایی از استعمار انگلیس، فرانسه، ایتالیا و هلند آشنا هستند، اما رژیم منحوس اشغال گر قدس را به عنوان استعمارگر نشناخته اند، ولی حقیقت آن است که استعمار صهیونیستی از همه بدتر و سرکوب کننده تر است، زیرا استعماری است که ویژگیهای بارز آن توسعه طلبی، کینه توزی، ترور، نژادپرستی و خون آشامی است. رژیم اسرائیل رژیمی است که خانه و سرزمین مردم مظلوم فلسطین را غصب کرده است و تلاش بی وقفه ای برای یهودی سازی این سرزمین به کار گرفته است. توسعه طلبی آن به حدی است که طرح اسرائیل بزرگ را با شعار «از نیل تا فرات» مطرح کرده است؛ دو خط آبی در بالا و پایین پرچم این رژیم، رمز و نماد دو رود نیل و فرات است. آنگاه که از یک مسئول و فرمانده این رژیم اشغالگر پرسیدند که مرز اسرائیل تا کجاست؟ در پاسخ پایش را به زمین کوبید و گفت: هر کجا که قدم بگذاریم.

نژادپرستی صهیونیست ها به حدی است که خود را از نژاد سامی و پاکترین خلق خدای دانند و دیگران را خوار و ناچیز می شمارند، تا جایی که یهودیان «ارتودوکس» فتوایی منتشر کردند مبنی بر اینکه یهودیان محافظه کار و اصلاح طلب از نژاد یهود به شمار نمی آیند. شگفت آورتر اینکه حتی به نوه بن گوریون، نخستین نخست وزیر رژیم صهیونیستی، تابعیت اسرائیلی ندادند، زیرا مادرش یهودی نبود.



پایتخت قوم یهود است. مسلمانان را در سراسر دنیا باید خوار و زیون کرد.»

چنانکه گفتیم همه صهیونیست ها اعم از یهودی و مسیحی در سنگدلی و خون آشامی شبیه هم هستند. شیمون پرز، معاون نخست وزیر کنونی اسرائیل، بعد از روی کار آمدن حماس گفت: پاسخ من به آنها که می پرسند آیا حماس می تواند تغییر کند، این است که حماس باید به جای تغییر کردن تبدیل شود، به این معنا که از یک گروه مذهبی به یک گروه سکولار تبدیل شود.

گوشه ای از کارنامه سیاه شارون

آریل شارون در داخل و خارج اسرائیل یک شخصیت جنجالی به شمار می آید. مسلمانان او را جنایتکار جنگی می دانند و سربازان اسرائیلی او را در جنگ ۱۹۷۳ «پادشاه اسرائیل» لقب دادند. شارون در سال ۱۹۲۸ در مسکو متولد شد نه در فلسطین. آن گونه که برخی از منابع خبری غربی و شرقی می گویند او در سن ۱۴ سالگی در سال ۱۹۴۲ به عضویت بانده تروریستی «هاگانا» درآمد و بعد از تأسیس اسرائیل به ارتش این حکومت پیوست و فرماندهی تیپ زرهی ارتش را به عهده گرفت.

شارون در سال ۱۹۴۸ در شهر «لد» [جایی که حضرت عیسی علیه السلام پس از نزول از آسمان دجال را در آنجا به قتل خواهد رساند] ۴۲۶ نفر از مردم فلسطین را در یک مسجد زندانی کرد و پس از منفجر کردن مسجد تا دو روز مجروحان را بی آب و غذا رها کرد و بعد از دو روز که ماموران صلیب سرخ به رساندن آذوقه اصرار کردند، شارون به



گوشه ای از کشتار و هتایات شارون در صیبرا و شتیلا

سربازان دستور داد تا به جای آب به آنان ادرار بدهند. همچنین در یک اقدام بی شرمانه به زنان فلسطینی دستور داد تا لباسهایشان را بیرون بیاورند، سپس دستور داد آنها را نخت و عریان به گلوله ببندند و اجساد آنها را مدت ها در خیابانها رها کرد. او در سال ۱۹۵۶ پس از محاصره غزه ۲۵۰ فلسطینی را به شهادت رساند و ۷۵۰ نفر دیگر را در رفح به گلوله بست.

شارون در زمان مناخیم بگین وزیر کشاورزی و شهرک سازی بود. او در این زمان (از سال ۱۹۷۷ تا ۱۹۸۱) توانست به اشغال زمین های فلسطینیان و شهرک سازی اقدام کند و تعداد شهرکهای یهودی را به ۱۴۴ شهرک برساند.

در سال ۱۹۸۱ به سمت وزارت دفاع منصوب شد و یک سال بعد در صبرا و شتیلا کشتار فجیعی به راه انداخت و قصاب صبرا و شتیلا نام گرفت. او در این اقدام فقط در ۳۶ ساعت ۳۵۰۰ فلسطینی را قتل عام کرد. یعنی در هر ساعت حدود ۱۰۰ نفر.^(۳)

او در سال ۲۰۰۱ به سمت نخست وزیر رژیم صهیونیستی

اما خون آشامی، کشتار و ستم این رژیم بر کسی مخفی نیست و نیازی به اثبات ندارد، زیرا قتل و ترور چیزی است که بارگ و خون این غده سرطانی عجین شده است و پیدایش آن مرهون باندهای تروریستی ای مانند «بالمخ، هاگانا، آرگون و اشترن» است. این باندهای تروریستی در مورد پسر یا دختر بودن جنین های زنان حامله با یکدیگر شرط بندی می کردند و پس از پاره کردن شکم مادران باردار برنده را با قهقهه و شادی اعلام می نمودند.^(۱) این تروریسم سازمان یافته، دانشمندان، رهبران، افراد متخصص و نابغه را ترور می کند، نمازگزاران را در مساجد به رگبار می بندد، اما اگر یک جوان از خود گذشته فلسطینی به عملیات شهادت طلبانه دست بزند، این اقدام را خشونت و ترور می خوانند و مسلمانان را تروریسم می نامند و برای مبارزه با تروریسم! جنگ بی امانی به راه می اندازند، در حالی که ترور شخصیت های برجسته ای همچون دکتر فتحی شقاقی، مهندس یحیی عیاش، مهندس شریف، شیخ احمد یاسین، دکتر عبدالعزیز رنتیسی و در پرورنده آنان به ثبت رسیده است.

سازمان جهانی صهیونیسم

سازمان جهانی صهیونیسم یک قرن پیش در نخستین کنگره جهانی آن که در سال ۱۸۹۷م. به ریاست «تئودور هرتزل» در شهر پازل سوئیس برگزار شد، تأسیس شد. هدف این سازمان در مرحله اول پیدا کردن یک «وطن ملی» برای یهودیان بود. چنانکه «اسرائیل زنگوئیل» یکی از نخستین همکاران «هرتزل» پس از دیدار از فلسطین، نظریه وطن ملی و یهودی سازی قدس را به طور جدی پیگیری کرد و در یکی از سخنرانی هایش به صراحت گفت: «این سرزمین اسرائیل است که اعراب در آن سکونت دارند. وظیفه ماست که آنان را از این سرزمین با زور اسلحه بیرون برانیم.»^(۲)

در سال ۱۹۴۸م. به منظور عملی کردن منویات خود، رژیم صهیونیستی اسرائیل را به وجود آوردند. از آن زمان تاکنون همه مسئولان حکومتی از هیچ کوششی در راستای اهداف شوم خود فروگذار نکرده اند، تا عصر ما که نوبت به فردی خون آشام به نام «آریل شارون» جلاد صبرا و شتیلا رسید. شارون بر وزن قارون از سلاسه یهودیانی است که خداوند چهره آنها را به شکل میمون دگرگون کرد. پیش از او میمون زادگانی همچون «ایهود باراک»، «نتانیا هو» و «شیمون پرز» در رأس کار بوده اند و او یازدهمین نخست وزیر رژیم صهیونیستی است. همه آنان دارای یک خط مشی و مجری برنامه های سازمان جهانی صهیونیسم بوده اند. در کنفرانس جهانی ۱۸۹۷م. مقرر شده است که: «مسجد اقصی باید تخریب شود و به جای آن هیکل سلیمانی تأسیس گردد. قدس

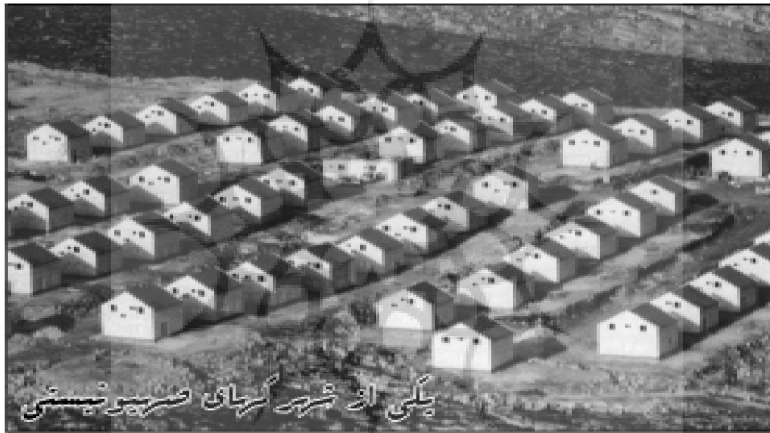
شود.^(۴) آری چون قضا آید طیب ابله شود. به هر حال، خداوند او را همانند فرعون و قاورن مایه عبرت مفسدان و جنایتکاران قرار داد.

پس از شارون، «اولمرت» کفیل نخست وزیری رژیم صهیونیست شد. او نیز به ادامه دادن سیاست های شارون تاکید کرد و هنگام دیدار از دیوار حایل تصریح نمود: «اکثر ساکنان فلسطینی را که در مناطق کرانه باختری زندگی می کنند، منزوی خواهیم کرد.» همه می دانند که خط مشی اولمرت همان خط مشی گذشتگان است، یعنی اعلام جنگ بر ضد مسلمانان، بازداشت مبارزان، مصادره زمین های فلسطینیان، ساخت دیوار حایل و تخریب حرم مسجد الاقصی.

حقایق پشت پرده

یهودیان صهیونیسم با همکاری قدرت های بزرگ در صدد تسلط

بر همه جهان هستند و برای این کار طرح های بلند مدتی طراحی کرده اند که بخش اعظم آن در طول یک قرن گذشته به اجرا در آمده است. همه جنگها و آتش افروزی های دنیا که به سرکردگی امریکا صورت می گیرد در راستای تثبیت امنیت اسرائیل است. به همین منظور بود که جنگ ایران



و عراق را به راه انداختند، سپس صدام را به حمله بر کویت و اداری کردند و سپس به بهانه آزادی کویت، ارتش امریکا در کویت و کشورهای حاشیه خلیج فارس مستقر شد و تا امروز حضور دارند، و سرانجام خود صدام به دست امریکا و هم پیمانانش قربانی شد، و در واقع سرزمین عراق را به نقشه اسرائیل بزرگ اضافه کردند.

طرح خاورمیانه بزرگ

بر اساس ادعای صهیونیست ها، مرزهای کشور موهوم اسرائیل از نیل تا فرات است، یعنی جزیره سینا و بخش دیگری از کشور مصر نیز جزء اسرائیل است، زیرا این سرزمین به حضرت موسی ارتباط دارد. اردن، سوریه، لبنان و عراق نیز جزء نقشه اسرائیل است. این نقشه، تبوک و مدینه منوره را نیز در بر می گیرد. آنان بر این باورند که همه این سرزمین ها متعلق به آنان بوده است که از دو هزار سال مالک آنند و پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله سلم با زور شمشیر آنها را از آن بیرون رانده است. بعد از تسلط اسرائیل بر فلسطین، در سال ۱۹۴۸ نخست وزیر وقت و کابینه اش که موشه

انتخاب شد. این تیره بخت در زمان نخست وزیری خود در یکی از ماههای رمضان جلسه ای محرمانه با حضور وزیر دفاع اسرائیل برگزار کرد، در این جلسه تصویب شد که عید را برای فلسطینیان به ماتم تبدیل کنند و فلسطینی ها باید به جای نماز عید نماز جنازه بخوانند. همچنین کسانی که شب عید برای رؤیت هلال عید بر بام خانه های خود می روند زنده بنگردند، و در شهرها و محله ها اجساد آنها پراکنده شود تا فرصت شادمانی نداشته باشند.

بر اساس این طرح شوم که از سوی اعضای حزب لیکود به رهبری شارون طراحی شده بود، جنرال یوشه یلعون مخفیانه دسته ها و گردان های ویژه تشکیل داد و هزار نفر از تیراندازان ماهر را برای این کار برگزید. بعد از غروب روز ۲۹ رمضان به وسیله تانک و اف ۱۶ مردم الخلیل، غزه، رام الله، نابلس، بیت لحم، جنین و رابه گلوله بستند. بچه هایی که برای رؤیت هلال بر بام ها بالا می رفتند از سوی سربازانی که در کمین بودند، مورد هدف قرار می گرفتند.

مردم این شهرها در غم و اندوه و ماتم فرو رفتند و از هر طرف صدای ناله و شیون به گوش می رسید. روز عید در همه مصلها جنازه تعدادی از شهدا وجود داشت. مردم پس از ادای نماز عید و نماز جنازه مستقیم به گورستان ها رفتند تا عزیزان خود را به خاک بسپارند. این گونه دست پلید جنایتکاران، این روز فرخنده را برای کودکان مسلمان و زنان و سالمندان و جوانان برومند فلسطینی به روز ماتم تبدیل کرد، و در آن سو آنان با قهقهه و شادی به عیاشی خود مشغول بودند.

هلاکت عبرت آموز شارون

سرانجام خداوند او را در همین دنیا به کیفر بخشی از جنایاتش رسانید. او ابتدا در دسامبر ۲۰۰۵ به سکتة مغزی خفیفی دچار شد و پزشکان تشخیص دادند که به عمل قلب نیز نیاز دارد. سپس در ژانویه ۲۰۰۶ دوباره به سکتة و خون ریزی مغزی شدید دچار شد و برای همیشه به حالت کما فرو رفت. در این مدت چندین عمل جراحی روی مغز و اندام گوارشی او صورت گرفته است و قسمت زیادی از روده ها و اعضای داخلی بدنش برداشته شده است و اینک خبر وضعیت جسمانی او جزء اسرار رژیم صهیونیستی است. جالب اینکه پزشکان معالج او به اشتباه خود در شیوة درمانی وی اعتراف کردند و گفتند: میزان دارویی که در آغاز درمان به شارون داده شده است موجب شده است که لختگی خونش بیشتر

باید در این جنگ نقش ایفا کنند.»

پس از جنگ شش روزه اعراب و اسرائیل در سال ۱۹۶۷ وینستون چرچیل، نخست وزیر وقت انگلیس، گفت: «آزادی بیت المقدس از دست مسلمانان، برنامه و تعبیر خواب شیرین ما مسیحی ها و یهود بوده است. این شهر را به هیچ قیمتی به مسلمانان باز پس نمی دهیم.» صهیونیست ها در آن روز فریاد شادی بلند کردند و گفتند: «امروز انتقام خیبر را گرفتیم، دین محمد فرار کرد.» (۷)

در همان روز که یهودیان بر قدس تسلط یافتند، کاردینال بزرگ مسیحیان در آلمان در یک جلسه مذهبی که با حضور مسیحیان یهودی ها در شهر برلین برگزار شد، اظهار داشت: «بر مسیحیان واجب است که به هر طریق ممکن، یهود را یاری کنند تا سرزمین مقدس به طور کامل و برای همیشه آزاد گردد و بتوانیم اسلام را نابود کنیم.» (۸)

قربانی بعدی خاورمیانه جدید

بدون شک هر کشور یا فردی که منافع اسرائیل را تهدید کند یا توان آن را داشته باشد که روزی برای اسرائیل درد سر ایجاد کند، از نظر آنان باید از صفحه روزگار برچیده شود. عراق با توجه به میزان نیروها و تندرو بودن صدام، خطری بزرگ برای اسرائیل بود، به همین دلیل سر او کلاه گذاشتند و از او سوء استفاده کردند و او را علیه همسایگانش تحریک کردند، و سرانجام خود او هدف انتقام آنان قرار گرفت.

در این جا به گزارش زیر توجه کنید تا بدانید هدف از نابودی صدام چه بوده است:

منابع اطلاعاتی آورده اند که بوش در آخرین دیدار شارون از امریکا خطاب به او گفت: «شاید انتفاضه تو را خسته کرده است؟» شارون در پاسخ گفت: «انتفاضه مثل زکام و سرما خوردگی است، اما عراق در دسر و میگردن است.»

بوش و هم پیمانانش گفته بودند: «تا صدام زنده است صلح بین اعراب و اسرائیل تحقق نخواهد یافت.»

از این جاست که یهودیان اسرائیل از سقوط بغداد بیش از خود امریکا شادمان شدند تا جایی که بعضی از مسئولان اسرائیلی گفتند: «الآن اسرائیلی ها می توانند با خیال راحت زندگی کنند.» این مطلب از رادیو و تلویزیون اسرائیل پخش شد. (۹)

حال پس از نابودی صدام و پیوستن عراق به نقشه خاورمیانه جدید! این افعی های زخم خورده به کدام کشور اسلامی چشم طمع دوخته اند؟

می دانیم که آقای احمدی نژاد، رئیس جمهور ایران، نیز جزو تهدیدکنندگان اسرائیل است. وقتی آقای احمدی نژاد درباره هولوکاست اظهاراتی کرد، دنیای غرب یکه خورد و برای پاسخ به اظهارات ایشان جبهه تبلیغاتی وسیعی گشودند و تصریح کردند: «هر کس هولوکاست را انکار کند قابل بخشش نیست.» آری کسی که به طور صریح اظهار می دارد که: خاورمیانه جدید بدون حضور رژیم

دایان پشاپیش آنان بود کنار دیوار گریه (دیوار براق) حاضر شدند و صراحتاً گفتند: «اکنون راه مکه و مدینه به روی ما باز شده است.» بر سر در ساختمان پارلمان اسرائیل نوشته شده است: «ای اسرائیل! مرزهای تو از نیل تا فرات است.» (۵)

واقعیت تلخ

هم اکنون اسرائیل همه جا حضور دارد، زیرا امریکا پیشاهنگ اسرائیل است و زمینه را برای صهیونیست ها فراهم می کند. امریکا و اسرائیل در شمال عربستان پایگاه دارند، عراق خانه و پایگاه امریکا و اسرائیل است، در جنوب لبنان ارتش اسرائیل مستقر است، بلندی های جولان سوریه در دست اسرائیل است، سربازان امریکایی و اسرائیلی در ترکیه حضور دارند، در کویت نیروهای هم پیمان پایگاه مستحکمی دارند و از سال ۱۹۹۰ به این سو کویتی ها مالک چیزی نبوده اند.

طرح خاورمیانه بزرگ یا جدید، همان طرح اسرائیل بزرگ است که به منظور کاهش حساسیت افکار عمومی از سوی شیمون پرز به اصطلاح خاورمیانه جدید تغییر نام یافته است و این اصطلاح پوششی زیبا و آرام است.

در گذشته نیز چنین پوشش های زیبا و آرامی طراحی شده است. به عنوان مثال تئودور هرتزل، بنیانگذار جنبش صهیونیسم، در خاطرات خود که در سال ۱۸۹۵ نگاشته است، می گوید: «سعی خواهیم کرد با آرامش و دور از جنجال و هیاهو «قشرهای فقیر» را به آن سوی مرزها انتقال دهیم.»

واژه «قشرهای فقیر» برای مسلمانان فلسطین و واژه «انتقال» برای اخراج و بیرون راندن به کار رفته است.

امریکا قصد دارد در خاورمیانه جدید مراکز تجاری تاسیس کند و سود حاصل از آن را در راه حمایت از اسرائیل هزینه کند.

هدف از اشغال عراق، علاوه بر تسلط بر منابع نفتی و آبی این کشور، این بود که طرح خاورمیانه بزرگ تحقق یابد. در روزهایی که در کوچه ها و خیابان های عراق خون جاری بود، آقای شارون به ارتش اسرائیل دستور داد که حلقه محاصره مناطق فلسطینی تنگ تر شود. جنرال موشه یعلون دستور داد که حتی امدادگران فلسطینی نیز هدف گلوله قرار گیرند، چنانکه سربازان اسرائیلی در ۲۷ مارس در غزه به یک مسجد هجوم بردند و آن را منهدم کردند و عده ای را به شهادت رساندند. در همان حال بوش متکبرانانه اعلام کرد که «فضای خاورمیانه در اختیار ماست و به زودی پرچم اسرائیل در بغداد به اهتزاز در خواهد آمد.» (۶)

آن گاه که یهودیان عراق، پس از تأسیس اسرائیل، عراق را به مقصد فلسطین ترک می کردند، گفتند: آن روز دور نیست که ما بار دیگر به عراق برگردیم و خانه و کاشانه خود را بازستانیم.

وزیر دفاع اسرائیل بعد از اشغال عراق گفت: «یهودیان اسرائیل نباید نگران باشند بلکه باید شادمانی کنند زیرا امریکا برای تکمیل خواسته های آنان به عراق حمله کرده است، بنابراین اسرائیلی ها



صهیونیستی تشکیل شود چگونه قابل اغماض است؟

دست‌های پنهان و توطئه‌های زیرزمینی

دولت ناپاک اسرائیل حفاری‌هایی زیر مسجد الاقصی انجام داده و تونل‌های طولانی‌ای ایجاد کرده است و قصد دارند در آنجا منطقه تفریحی بسازد. اسرائیل به منظور آماده کردن اذهان عمومی برای انهدام مسجد الاقصی فعالیت می‌کند و زمان فرو ریختن مسجد الاقصی را پیش‌بینی کرده است. تلویزیون اسرائیل یک فیلم ساختگی به نمایش گذاشته و مدعی شده است که ظرف دو سال آینده تونل‌های زیر مسجد الاقصی به سبب زمین لرزه فرو می‌ریزد و مسجد نابود می‌شود. اما بر اساس منابع اطلاعاتی اسرائیل، کارشناسان و مهندسان زمین‌شناسی گفته‌اند که در این منطقه امید زلزله وجود ندارد، بنابر این می‌کوشند تا به وسیله احداث ساختمانهای چند طبقه در اطراف مسجد و دستگاههای ارتعاش آور، کاری کنند که تونل‌ها فرو ریزد و مسجد در زیر زمین مدفون شود. طبق گزارش‌های منابع خبری، صهیونیست‌ها ضمن ادامه حفاری‌ها، روزانه در کنار دیوار گریه این‌گونه دعا می‌کنند: «خدایا زمین را واژگون کن تا طبق دستور تو در این جا هیکل سلیمانی ساخته شود.»^(۱)

اندیشمندان، سانسور مطبوعات و آثار علمی و . تا زمانی که این وضع ادامه دارد منتظر روزی باشند که دشمن به خانه و کاشانه‌شان یورش برد. آری با بودن این وضع، شاید خداوند ما یاری نکند زیرا این وضع معایر سنت او در جهان هستی است: «ان‌الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بأنفسهم» خداوند حال و وضع هیچ قومی را دگرگون نمی‌سازد تا زمانی که رفتار خود را تغییر ندهند.

اما باز هم باید امیدوار بود که امت اسلامی بیدارتر شود و روزی فرارسد که عرصه بر یهودیان و ایادیشان تنگ گردد و پیشگویی‌های قرآن و رسول گرامی اسلام تحقق یابد. ان‌شاءالله آن روز دور نیست و خود صهیونیست‌ها نیز آن روز را پیش‌بینی کرده‌اند، چنانکه شارون در پاسخ به این سؤال که آینده اسرائیل را چگونه ارزیابی می‌کند، گفته است: «احساس می‌کنم برای اعراب، صلاح‌الدین جدیدی خواهد آمد».

ای مسلمان تا کجا غافل شدن

دشمن قسم خورده تا این حد اکتفا نکرده است بلکه می‌خواهد رهبران و مغزهای متفکر جهان اسلام را در هر کجای جهان نابود کند. در این مجال شرح این داستان وجود ندارد فقط به یک مورد اشاره می‌شود. اخیراً «اوری دان» یکی از نویسندگان صهیونیست که محرم اسرار شارون بود در کتاب خود فاش کرد که شارون با موافقت جرج بوش برنامه کشتن یاسر عرفات را اجرا کرده است و یاسر عرفات با مواد غذایی آلوده به سم به قتل رسیده است.

پس چه باید کرد

پس از شناخت صهیونیسم و آگاهی از هدف تأسیس اسرائیل لازم است مسلمانان در برابر دشمن مشترک خود متحد شوند و طرح‌ها و برنامه‌های مخفی آنها را بشناسند و برای ناکام کردن آنها بکوشند. ناآگاهی از ترفندهای دشمن ضربه سختی بر پیکر امت اسلام وارد خواهد کرد که جبران ناپذیر خواهد بود. اما متأسفانه مسلمانان تاکنون هیچ جبهه واحدی تشکیل نداده‌اند و نتوانسته‌اند اختلافات جزئی را کنار بگذارند و در یک صف بایستند، در حالی که یهودیان و مسیحیان با آنکه دشمن سرسخت یکدیگرند در برابر مسلمانان جبهه واحد تشکیل داده‌اند.

آنچه در داورتر است اینکه هر فرقه از مسلمانان در صدد تسلط بر فرقه دیگر است و اگر حاکمیت یک کشور را در اختیار دارند عیناً همان برنامه‌ها را برای سرکوبی و نابودی فرقه‌های دیگر به اجرا می‌گزارند، یعنی همان سیاست تخریب اماکن مقدس، ترور

پی‌نوشت:

- ۱- ر. ک: قرضای، ترجمه سلیمی؛ خطر جهانی صهیونیسم.
- ۲- مجله نداء القدس شماره ۹۰.
- ۳- منبع: الموسوعة الانجليزية (http://en.wikipedia.org/wiki/Airlsharon)
- ۴- روزنامه شرق، شنبه ۲ اردیبهشت ۱۳۸۵.
- ۵- ارسلان بن اختر، قبله اول کفار کی حصار مین.
- ۶- همان.
- ۷- همان.
- ۸- همان.
- ۹- سایت المختصر.
- ۱۰- ارسلان بن اختر، قبله اول کفار کی حصار مین.